



خانوادہ و مہدویت

دفتر اول

نقاط ملنسری

لا اله الا الله
محمد رسول الله

خانواده و مهدویت

نقار طیار



سرشناسه: نیلی پور، مهدی، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: خانواده و مهدویت: نقاط مشترک / مهدی نیلی پور؛

ویراستاران محسن آدم زاده، حمیدرضا حبیبی.

مشخصات نشر: اصفهان: مرغ سلیمان، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۶۰ص:؛ ۵/۹ × ۱۹ س.م.

فروست: آموزش معارف خانواده‌های مهدوی (خانواده‌های بهاری): [ج. ۴].

شابک: ۷۵۰۰ ریال: ۹-۴۶-۵۴۲۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: تربیت خانوادگی (اسلام)

موضوع: اسلام و خانواده

موضوع: مهدویت - انتظار

موضوع: اخلاق اسلامی

شناسه افزوده: آموزش معارف خانواده‌های مهدوی (خانواده‌های بهاری): [ج. ۴].

رده بندی کنگره: ۲۵۳/۴BP / ن ۸۴۹۳ ج ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۵۷۰۲

خانواده و مهدویت نقاط مشترک

نویسنده: مهدی نیلی پور

ویراستاران: محسن آدم زاده،

حمیدرضا حبیبی

حروف نگار: فاطمه جلوانی

طراح: منیر نعمتی

نوبت چاپ: اول / تابستان ۸۹

قطع / تعداد صفحات: پالتویی / ۶۰

شابک: ۹-۴۶-۵۴۲۸-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

بهاء: ۷۵۰ تومان

مرکز پخش: اصفهان چهارراه عسگریه - ابتدای صغیر -

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

تلفن: ۲۲۵۵۱۱۵ - ۰۹۱۳۱۱۴۹۲۰۹

حق چاپ محفوظ

مقدمه

با دقت در جهان کوچک خانواده و مقایسه آن با جهان بزرگ دوره ظهور امام زمان علیه السلام و بررسی اهداف و مؤلفه‌های فرهنگی و حکومتی جهان پس از ظهور و نظام یک خانواده ایده‌آل و موفق، به نقاط اشتراکی و تلاقی فرهنگی بسیاری بین آندو دست می‌یابیم؛ چرا که هم جهان کوچک خانه و نظام خانواده دارای قوانین و اصول فرهنگی ویژه خود می‌باشد و هم جامعه جهانی مهدوی و فرهنگ انتظار دارای مؤلفه‌ها و اصول منحصر به خود است، در این مختصر بر آن شدیم تا ضمن بازخوانی مؤلفه‌ها و وجوه مشترک این دو نظام انسان‌ساز، به توضیح مختصری از مطالبات و موارد تلاقی آن دو بپردازیم و از این رهگذر چشم‌اندازی آرمانی و روشن پیش روی خانواده‌های دین‌پژوه و تعالی‌گرا قرار دهیم تا خانواده‌ها با تلاشی مضاعف و پیگیر خانه‌های خود را به دژهایی مستحکم و

تسخیرناپذیر، انسان‌ساز و شیعه‌پرور تبدیل کرده و در کنار تقابل فرهنگی با هجوم دشمنان به مرزهای اخلاقی و اعتقادی خانواده‌ها، به صدور فرهنگ و تمدن الهی شیعی پردازند.

خانواده‌های مهدوی، در کنار آشنائی با فرهنگ مهدویت شایسته است در مقیاسی کوچکتر نمونه‌ای از مدینه فاضله و مهدوی را در محیط‌های کوچک خانوادگی خود بازسازی نمایند و این مهم محقق نخواهد شد مگر با مطالعه مؤلفه‌ها و آرمانهای حکومت امام زمان علیه السلام و الگوگیری عملی از این نظام الهی در چارچوب خانواده.

مباحث پیش روی شما گرامیان، با نگرشی جدید به مباحث مهدویت و با رویکرد خانواده‌مهدوی، به عنوان مجموعه‌ای آموزشی و جهت تشکیل حلقه‌های معرفت در خانواده‌ها و میان زوجهای جوان خدمتتان ارائه می‌شود و با تبیین نقاط مشترک فرهنگ مهدویت و خانواده راه معطر کردن فضای خانه و خانواده به عطر فرهنگ جامعه مهدوی را به شما می‌نمایاند، این نقاط مشترک در یک نگاه عبارتند از:

۱. فرهنگ امیدواری و پرهیز از یأس

۲. عدالت محوری

۳. عزت‌مندی و عزیز پروری

۴. آرامش و رفاه

۵. صلح و امتیّت
۶. اصلاحگری
۷. سلامت و بهداشت روانی
۸. پاکی دلها از کینه و دشمنی
۹. مسئولیت پذیری و درد مردم داشتن
۱۰. دوستی، عشق و محبّت
۱۱. دانش محوری
۱۲. شجاعت و دلاوری
۱۳. خردورزی و تربیت عقلانی
۱۴. آرمان‌گرایی
۱۵. شرک‌زدائی
۱۶. بسط و نشر کلمه توحید
۱۷. کرامت انسانی و کریم پروری

مهدی نیلی‌پور

خرداد ۱۳۸۹

اهداف:

۱. شناخت مؤلفه‌ها و رخداد‌های دوران ظهور و حکومت امام عصر علیه السلام
۲. آشنایی با مشخصات و پارامترهای یک خانواده موفق و متعالی
۳. ایجاد زمینه ظهور دولت مهدوی و تشکیل آرمان شهر اسلامی با رویکرد تشکیل خانواده‌های اصیل و معنوی
۴. زمینه‌سازی علمی برای همسوسازی نهاد خانواده و جامعه آرمانی مهدوی
۵. رغبت آفرینی در تشکیل و تقویت دنیای کوچک خانواده برای تشکیل دنیای بزرگ مهدوی

فوائد:

۱. امیدوار شدن به تلاش‌های تربیتی و کیفیت بخشی به حضور مؤثرتر والدین در خانه، جهت ایجاد زمینه ظهور دولت کریمه مهدوی
۲. دل‌بستگی و توجه بیشتر به نهاد خانواده
۳. آشنایی با مؤلفه‌های مشترک فرهنگ مهدویت و فرهنگ خانواده

مطالب آموزشی

۱. تشریح و شمارش هفده مؤلفه حکومت مهدوی و فرهنگ انتظار
۲. تطبیق و تشریح همسانی مؤلفه‌های حکومت مهدوی با مؤلفه‌های خانواده‌های موفق و متعالی
۳. معرفی ویژگی‌های یک خانواده الگو و دینی

مطالبات مشترک فرهنگ مهدویت و فرهنگ خانواده

خانواده کوچکترین نهاد اجتماعی است که حداقل با حضور دو نفر شکل می‌گیرد، اما از دیدگاه تربیتی و فرهنگ دینی، خانه و خانواده جهانی کوچک، با فرهنگ، قوانین و نظام خاص خود می‌باشد.

فرهنگ آسمانی مهدویت و دولت امام عصر علیه السلام نیز، خود دارای فرهنگ و نظام خاص با خصوصیات منحصر به فرد می‌باشد. در مقام مقایسه بین فرهنگ خانواده و تمدن مهدوی و طی یک بررسی اجمالی میان مطالبات آندو، اشتراکات و اهداف همسوی متعددی به چشم می‌خورد. نزدیکی مطالبات و اهداف خانواده و دولت مهدوی و ارتباط تنگاتنگ ایندو ما را بر آن داشت تا با شمارش هفده نمونه از این مطالبات و نقاط مشترک گامی در جهت تقویت فرهنگ خانواده در راستای

همسویی هر چه بیشتر با فرهنگ مهدوی برداریم و از این طریق به تربیت سربازان مهدوی در خانواده‌های خود به عنوان سنگرهای معنویت و ولایت پردازیم.

۱. فرهنگ امیدواری و پرهیز از یأس

یکی از مهمترین مولفه‌های فرهنگ انتظار، امید به آینده و نویدبخشی به آینده‌ای روشن، زیبا و نورانی است. فرهنگ انتظار به ما روحیه امیدواری و آرزومندی می‌بخشد و این روحیه به عنوان انگیزه سازترین عامل محرک انسان به سوی حرکت تا رسیدن به اهداف نهائی است.

جوامع یا انسان‌های ناامید و یا کم امید به اختلالاتی همچون افسردگی، بی‌تحرکی، هدر دادن وقت، بی‌هدفی و یا خودکشی دچار می‌گردند. پیامبر نور و رحمت و امید، نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

✓ (الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرْسٌ غَارِسٌ شَجَرًا).^۱

«آرزو برای امت من رحمت است و اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبان درختی بر نمی‌نشاند.»

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان پیوند بین انتظار فرج و عدم یأس و نومیدی از رحمت الهی می‌فرمایند:

✓ (إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ) ^۱
 «منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند نومید نشوید.»

براساس برآوردهای کارشناسان تربیتی و دینی نیز یکی از مهمترین مؤلفه‌های یک خانواده سالم و با نشاط نیز امیدواری، امیدزائی، امید داشتن و امید دادن به یکدیگر می‌باشد. خانواده‌های امیدوار از سویی با منبع بی‌پایان امیدواری یعنی فرهنگ انتظار مرتب‌تند و از سویی با تولید امیدواری میان آحاد جامعه، زمینه ظهور آن امید آخرین را فراهم می‌آورند.

۲. عدالت محوری

از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ انتظار و مهدویت عدالت دوستی، عدالت محوری و سرشار سازی زمین از عدالت است. اندیشه مهدویت نه تنها با شعار عدالت که با حقیقت عدالت و قسط گره خورده است، به گونه‌ای که نام مهدی برای بشریت، تداعی کننده عدالت حقیقی و پایدار می‌باشد.

در دعای ندبه می‌خوانیم: (أَيُّنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ).

«کجاست آن منبع امید برای برطرف کردن ظلم و ستم و دشمنی‌ها.»

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

✓ (ما يكون هذا الأمر حتى لا يبقى صنف من الناس إلا قدؤلوا على الناس حتى لا يقول قائل إنا لو وُلينا لعدلنا ثم يقوم القائم بالحق والعدل).^۱

«امر فرج تحقق نمی پذیرد تا اینکه هر صنفی از مردم به حکومت برسند تا اینکه نگویند اگر ما به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم! سپس قائم قیام می کند و با حق و عدالت حکومت می نماید.»

✓ (إنَّ قائماً... والله ليدخلنَّ عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحرُّ و القرُّ).^۲

«به خدا قسم قائم ما (مهدی) عدالت خویش را تا درون خانه های مردم وارد می کند همانطوری که هوای گرم و سرد به درون آن خانه ها وارد می شوند.»

در دعای غیبت می خوانیم:

✓ (اللهم و أخي بوليک القرآن... حتى لا يبقى حق إلا ظهر ولا عدل إلا زهر).

«بارالها! به وسیله ولایت قرآن را زنده کن... تا آنجا که حتی باقی نماند جز آن که آن را ظاهر سازد و عدلی نباشد جز آن که آن را شکوفا نماید.»

در جامعه به ظاهر کوچک خانواده مهدوی نیز لزوم اجرای عدالت مورد عنایت قرار گرفته، چنانچه امام زمان علیه السلام عدالت را نه تنها در جامعه بلکه در

۱. بحار الأنوار، ص ۲۴۴

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۶۲



فضای خانه‌ها نیز داخل می‌کنند.

★ تعاریف عدالت:

✓ رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر صاحب حقی به او.^۱

✓ قرار دادن هر چیزی در جایگاه خودش و پرهیز از افراط و تفریط.^۲

✓ تساوی و رفع هرگونه تبعیض

قرآن کریم درخصوص رعایت عدالت در تنظیم روابط خانوادگی می‌فرماید:

(و إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا)^۳

«و اگر می‌ترسید که عدالت را درباره (ازدواج با) دختران یتیم مراعات نکنید (از ازدواج با آنان صرف‌نظر نمایید و) با زنان دلخواه (دیگر) ازدواج کنید، دو تا، سه تا یا چهار تا، پس اگر ترسیدید که (میان همسران) به عدالت رفتار نکنید، پس یک همسر (کافی است) یا (به جای همسر دوم از) کنیزی که مال شماست (کام بگیرید، گرچه کنیز هم حقوقی دارد که باید مراعات شود) این نزدیک‌تر است که ستم نکنید.»

۱. إعطاء كل ذي حق حقه.

۲. وضع الشيء في موضعه.

۳. نساء/ ۳

رسول خدا ﷺ می فرمایند:

(وَمَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَتَانِ فَلَمْ يَعْدِلْ بَيْنَهُمَا فِي الْقِسْمِ مِنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبًا مَائِلًا شِقَّةً حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ).^۱ «هر که دو زن داشته باشد و در تقسیم خود و خرجی دادن به آنها میانشان به یکسان رفتار نکند، روز قیامت در حالی که دستهایش بسته و نیمی از بدنش به یک طرف کج شده است، آورده شود تا اینکه وارد آتش گردد.»

همچنین در خصوص رعایت عدالت در بین فرزندان و اهل خانه احادیث فراوانی از سوی معصومین علیهم السلام وارد شده که به عنوان نمونه به چند روایت اشاره می کنیم:

✓ قال الصادق عليه السلام: (اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا فَإِنَّكُمْ تَعْيَبُونَ عَلَى قَوْمٍ لَا يَعْدِلُونَ).^۲

«از خدا بترسید و عدالت ورزید، چرا که شما از کسانی عیب جویی می کنید که عدالت را اجرا نمی کنند.»

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در توضیح روایت فوق می فرمایند:

(إِعْدِلُوا أَي فِي أَهَالِكُمْ وَ مُعَامِلِكُمْ وَ كُلُّ مَنْ لَكُمْ عَلَيْهِمُ الْوَلَايَةُ).^۳

۱. میزان الحکمة، ح ۷۹۱۳

۲. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۸

۳. همان، ص ۳۸

«یعنی عدالت ورزید نسبت به خانواده و همکاران خود و هر کس که بر آنها ولایت و سرپرستی دارید.»
قال رسول الله ﷺ:

✓ (إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ).^۱

«میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید همچنان که شما نیز دوست دارید آنان در احترام و محبت (نسبت به شما) به عدالت رفتار کنند.»

✓ (اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا فِي أَوْلَادِكُمْ).^۲

«از خدا بترسید و میان فرزندانان به عدالت رفتار کنید.»

✓ (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ).^۳

«خداوند متعال دوست دارد که میان فرزندان خود یکسان عمل کنید حتی در بوسیدن آنها.»

✓ (سَاوُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْعَطِيَّةِ فَلَوْ كُنْتُمْ مُفْضِلًا أَحَدًا لَفَضَّلْتُمُ النِّسَاءَ).^۴

«در دادن هدیه به فرزندان خود میان آنها برابری نهید و اگر قرار بود من یکی را برتری دهم، زنان را برتری می‌دادم.»

۱. میزان الحکمة، ح ۲۲۶۶۳

۲. همان، ح ۲۲۶۵۹

۳. همان، ح ۲۲۶۶۵

۴. همان، ح ۲۲۶۶۴

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که دو فرزند داشت و یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. حضرت رسول (او را مؤاخذه کرده و) فرمودند: چرا میان آن دو برابری نگذاشتی و مساوات را رعایت نکردی!

۳. عزت‌مندی و عزیزپروری

یکی از مختصات جامعه مهدوی، بنیان‌گذاری آن بر فضائل انسانی و اخلاقی از جمله عزت و اقتدار است. دولت مهدوی و سیره حکومتی حضرت براساس عزت، رقم می‌خورد. در همین زمینه در دعای افتتاح می‌خوانیم:

✓ (اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا
الاسلامَ وَ أَهْلَهُ...)^۱

«خدایا، مشتاقانه مسألت داریم که دولتی با شکوه برانگیزی که در آن اسلام و اسلامیان را عزت بخشی...»
یکی از القاب امام عصر علیه السلام مُعِزُّ (عزت‌بخش) می‌باشد، چنانچه در دعای ندبه می‌خوانیم:

✓ (أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ...)

«کجاست عزت‌دهنده دوستان...»

در یک خانواده سالم و پویا نیز هدفی جز عزیزپروری و ایجاد روحیه عزت‌مندی وجود ندارد، چرا که عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن که این احساس مثبت از مجموع

اندیشه‌ها، احساسات، عواطف و تجربیات انسان در طول زندگی او بدست می‌آید. عزّت نفس از نیازمندی‌ها و صفات ویژه انسان در میان همه موجودات است.

به نظر کارشناسان مسائل تربیتی و روانشناسان، بخش عمده‌ای از مشکلات انسان در رابطه با ضعف و یا فقدان عزّت نفس بروز می‌کند.

عزّت نفس از مهمترین مؤلفه‌های هویت اجتماعی است و به تعبیری سپری فرهنگی در مقابل اضطراب و آفات اجتماعی به شمار می‌رود.

ارتباط متقابل میان عزّت نفس و تصوّر فرد از توانایی‌های خود، امری مسلم است و بدان معناست که اگر عزّت نفس فرد کاهش یابد، احساس ضعف و ناتوانی در او به وجود می‌آید و برعکس، چنانچه میزان احساس عزّت نفس در فردی افزایش یابد، احساس توانمندی و ارزشمند بودن در وی احیاء می‌گردد و تلاش او برای کسب موفقیت فزونی می‌یابد، سلامتی‌اش تضمین می‌شود و ارتباطات جمعی او رشد می‌یابد.

به‌طور کلی عزّت نفس به عنوان یک شاخص برجسته در زندگی قادر است کلیه فعالیت‌های فرد را تحت تأثیر قرار دهد. افرادی که احساس ارزشمندی می‌کنند و عزّت نفس بالایی دارند در مقابل انواع مشکلات و مسایل زندگی، فشارهای

روانی، تهدیدات و حوادث ناگوار و بیماری‌های روانی مقاوم و پایدار خواهند بود.

عزت نفس یکی از قدرتمندترین نیروهای موجود در جهان است. عزت نفس به شادی و شادمانی و ثمربخشی و صمیمیت می‌انجامد و به همین دلیل ما به آن نظامی از ارزش‌ها معتقدیم که عزت نفس را زیاد کند و بالآخره عزت نفس به ایمان می‌ماند و می‌تواند کوهها را تکان دهد.

در کتب تربیتی، نشانه‌ها و خصوصیات افراد دارای عزت نفس بالا و افراد فاقد عزت نفس، این چنین فهرست شده است:

افراد با عزت نفس پایین	افراد با عزت نفس بالا
۱. دارای نگرش مصنوعی نسبت به خود و جهان پیرامون	۱. دارای نگرش واقع‌بینانه در مورد خود و جهان پیرامون
۲. ارزشیابی منفی از خود	۲. ارزشیابی مثبت از خود
۳. اجتناب از تماس با همسالان و بزرگسالان	۳. برخورد مثبت و مناسب با نظرات خود و دیگران
۴. با احساس ناامیدی تلاش نمودن و فقدان ابراز وجود	۴. تلاش همراه با امیدواری و حس ابراز وجود
۵. اجتناب از موقعیت‌های اجتماعی	۵. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی
۶. دست‌کم‌گرفتن استعدادهای خود و بی‌هویتی	۶. بهره‌وری از استعدادها و احساس ارزشمند بودن

افراد با عزت نفس بالا	افراد با عزت نفس پایین
۷. رضایت از وضعیت جسمانی خود	۷. نارضایتی از وضعیت جسمانی خود
۸. داشتن اسنادهای درونی	۸. داشتن اسنادهای بیرونی
۹. پایین بودن سطح اضطراب	۹. احساس ترس از نحوه پذیرش توسط دیگران
۱۰. احساس امنیت و جذاب بودن	۱۰. احساس ناامیدی و عدم امنیت و غیر جذاب بودن
۱۱. توانایی پذیرش تعریف دیگران	۱۱. ناتوانی در پذیرش تعریف دیگران
۱۲. مستقل عمل کردن و مسئولیت پذیری	۱۲. احساس حماقت و وابستگی و عدم مسئولیت پذیری
۱۳. احساس این که افکار و عقایدش برای دیگران مهم است.	۱۳. احساس این که دیگران ارزشی برای او قائل نیستند.
۱۴. به پیشرفت‌ها افتخار کردن و داشتن خلاقیت	۱۴. احساس غرور پایین و خلاقیت کم
۱۵. ناکامی را به خوبی تحمل کردن	۱۵. گریزان از موقعیت‌های تنش‌زا و نگرانی‌زا
۱۶. احساس کفایت در تحصیلات	۱۶. احساس بی‌کفایتی در تحصیلات
۱۷. احساس رضایت از تعامل با دیگران	۱۷. منزوی و گوشه‌گیر بودن
۱۸. پذیرفتن ضعف‌های خود و تلاش جهت رفع آنها	۱۸. سرزنش دیگران به خاطر ضعف‌های خود
۱۹. هدفمند بودن	۱۹. فقدان هدفمندی
۲۰. توانایی بیان مشکلات	۲۰. ناتوانی در بیان مشکلات

امام زمان علیه السلام و دولت کریمه او عزیز و عزیزپرور است و نه تنها عزت بخش انسانها، بلکه عزت بخش اسلام، قوانین اسلام و قوانین انسانی است. خانواده‌های منتظر و مهدوی نیز خانواده‌هایی عزیز و عزیزپرورند و یکی از صفات محوری حاکم بر روابط آنان و از جمله اصول مهم و پایدار تربیتی آنان، عزت و عزت‌پروری است.

۴. آرامش و رفاه

انسان در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خود نیازمند دو مقوله آرامش و آسایش، خوشی و خوشبختی است و به آرامش بیش از آسایش نیاز دارد، آنچه امروزه بشر را در یک چرخه رنج و افسردگی و سردرگمی شدید قرار داده، توجه افراطی به آسایش و خوشی و تن‌آسایی و بی‌توجهی به عوامل پایدار آرامش و خوشبختی و روح‌آسائی است.

آسایش و خوشی مربوط به تن و امور مادی زندگی است و آرامش و خوشبختی عمدتاً ناظر به روح و روان و امور معنوی زندگی می‌باشد. از جمله مؤلفه‌های یک جامعه مهدوی، توجه به آرامش و آسایش و فراهم آوردن عوامل خوشبختی در کنار خوشی و حتی مقدم بر آن است. یک خانواده سالم و صالح مهدوی و منتظر نیز به این مهم توجه می‌کند و ضمن تلاش برای تأمین

آسایش و خوشی، هزینه‌های مادی و معنوی فراوان‌تری برای تأمین خوشبختی و آرامش روحی اختصاص می‌دهد و به تعبیری روشن‌تر محور ارتباطات در یک خانواده مهدوی براساس اصل رحمت، سکونت، کرامت، روابط عاطفی عمیق و ایجاد آرامش استوار می‌باشد. یک خانواده مهدوی با درک تفاوت مبنایی میان «خوشبختی» و «خوشی»، تمام تلاش خود را برای تأمین خوشبختی (سعادت دنیوی و اخروی) و در کنار آن برای تأمین خوشی و رفاه به کار می‌بندد. سفارشات معصومین علیهم‌السلام درخصوص گرم نگه داشتن کانون خانواده و ایجاد فضایی پر سکونت و آرام، ناظر به همین معناست. امام زین العابدین علیه‌السلام می‌فرمایند:

✓ (وَ أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أُنْسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمَهَا وَ تَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا).^۱

«حق زن این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی که این نعمتی است که خداوند به تو داده است پس او را گرمی داری و با وی نرمی کنی، هر چند حق تو بر او واجب‌تر است اما حق وی بر تو این است که با او مهربان باشی.»

✓ (إِنَّ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أُسْبَغُكُمْ عَلَىٰ عِيَالِهِ) ^۱

«خداوند از آن کس خوشنودتر است که خانواده خود را بیشتر در رفاه و نعمت قرار دهد.»

۵. صلح و امنیت

قانون «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» ^۲ یک قانون قرآنی مترقی بر اساس نیازهای فطری انسان‌هاست.

در کنار صلح، امنیت نیز از ضروریات زندگی انسانی و از نعمتهای ناشناخته الهی است. رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

(نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ) ^۳ «ارزش دو

نعمت از نظر مردم پوشیده است: امنیت و تندرستی.»

از مهمترین دستاوردهای دوران ظهور امام عصر عجل الله فرجه برقراری صلحی پایدار در سرتاسر گیتی براساس اصول انسانی و بشردوستانه است؛ هر چند ایجاد چنین صلحی مستلزم از بین بردن موانع صلح پایدار یعنی زورگویان و ستمگران و حکومت‌های ضد بشری است اما در انتها، جهان شاهد برقراری این نظام صلح و دوستی خواهد بود. صلحی که به خاطر داشتن پشتوانه‌های الهی و انسانی، دیگر بهانه و انگیزه‌ای برای نزاع و وحشت به جای نمی‌گذارد. از سوئی یکی از مؤلفه‌های خانواده‌های سالم، موفق

۱. میزان الحکمة، ح ۷۹۰۹

۲. نساء/ ۱۲۸ «صلح و دوستی همیشه بهتر است.»

۳. الخصال، ج ۱، ص ۳۴

و قرآنی، وجود صلح و سازگاری و امنیت عاطفی اخلاقی و جسمی اعضای آن می‌باشد، در قرآن کریم پیش‌بینی شده که در صورت متزلزل شدن روابط اعضاء از طریق «حکمت»^۱ به سالم سازی روابط و برگرداندن مسالمت و صلح پایدار در خانواده پرداخته شود.

شهید مطهری رحمته الله علیه درباره لزوم و چگونگی صلح و سازش در خانواده می‌فرمایند:

«به‌طور قطع در میان زن و مرد باید صلح و سازش برقرار باشد. اما صلح و سازشی که در زندگی زناشوئی باید حکمفرما باشد با صلح و سازشی که میان دو همکار، دو شریک، دو همسایه، دو دولت مجاور و هم مرز باید برقرار باشد، تفاوت بسیار دارد. صلح و سازش در زندگی زناشوئی نظیر صلح و سازشی است که میان پدران و مادران با فرزندان باید برقرار باشد که مساوی است با گذشت و فداکاری و علاقمندی به سرنوشت یکدیگر و شکستن حصار دوگانگی، و سعادت او را سعادت خود دانستن و بدبختی او را بدبختی خود دانستن. برخلاف صلح و سازش میان دو همکار یا دو شریک یا دو همسایه یا دو دولت مجاور. اینگونه صلح‌ها عبارت است از عدم تعرض

۱. (و إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا) (نساء/۳۵)

و عدم تجاوز به حقوق یکدیگر. در میان دو دولت متخاصم «صلح مسلح» هم کافی است. اگر نیروی سومی دخالت کند و نوار مرزی دو کشور را اشغال کند و مانع تصادم نیروهای دو کشور شود صلح برقرار شده است، زیرا صلح سیاسی جز عدم تعرض و عدم تصادم مفهومی ندارد. اما صلح خانوادگی غیر از صلح سیاسی است. در صلح خانوادگی عدم تجاوز به حقوق یکدیگر کافی نیست، از صلح مسلح کاری ساخته نیست. چیزی بالاتر و اساسی‌تر ضرورت دارد، اتحاد و یگانگی و آمیخته شدن روح‌ها باید تحقق پذیرد، همچنانکه در صلح و سازش میان پدران و فرزندان نیز چیزی بالاتر از عدم تعرض ضروری است.^۱

۶. اصلاحگری

از ویژگیهای دولت کریمه مهدوی اصلاحگری و جهانی‌سازی آن و مبارزه با فساد می‌باشد. شهید مطهری رحمته الله علیه درباره اصلاح و اصلاح طلبی می‌فرماید:

✓ اصلاح یعنی سامان بخشیدن، نقطه مقابل فساد است که به معنی نابسامانی ایجاد کردن است... مورد استعمال اصلاح در قرآن گاهی رابطه میان دو فرد است (اصلاح ذات البین) و گاهی

۱. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۵۷

محیط خانوادگی است و گاهی محیط بزرگ اجتماعی است. قرآن کریم پیامبران را به عنوان مصلحان معرفی می‌کند و از زبان شعیب پیغمبر می‌فرماید: (إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ...) ^۱

«جز اصلاح تا آخرین حد توانایی، منظوری دیگر ندارم.»

و برعکس ادعای اصلاح منافقین را به شدت تخطئه می‌کند و درباره منافقان می‌فرماید: (وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ) ^۲

«هرگاه به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید می‌گویند ما فقط اصلاح‌گرانیم، آگاه باشید که همین‌ها مفسدانند اما نمی‌فهمند.»

اصلاح‌طلبی یک روحیه اسلامی است، هر مسلمانی به حکم اینکه مسلمان است خواه ناخواه اصلاح‌طلب و لااقل طرفدار اصلاح‌طلبی است. ^۳

از نظر فساد و صلاح، اعضای یک جامعه به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

صالحین: کسانی که از منظر فردی، انسانهایی شایسته بوده، اما صلاحیتهای آنها جنبه شخصی

۱. هود/۸۸

۲. بقره/۱۱

۳. نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۶، با تلخیص و تصرف

دارد و برنامه‌ای برای اصلاح جامعه و ایجاد تحولات ساختاری در نهادهای مدنی ندارند هر چند شایستگی‌های آنان تأثیرات اجتماعی داشته باشد.

مصلحین: کسانی هستند که علاوه بر اصلاح خویشتن و کسب و اَرستگی فردی، برای ایجاد تحولات زیربنایی و بنیادین در جامعه تلاش می‌کنند.

انسانهای بی تفاوت (و خنثی): کسانی هستند که نه به اصلاح نفس خود می‌پردازند و نه فساد و صلاح جامعه برای آنان مهم است. چنین افرادی از خود استقلال رأی و اندیشه نداشته و بیشتر در جهت تأمین منافع فاسدین و مفسدین تلاش می‌کنند.

فاسدین: انسانهایی خاطی و گناهکارند که بیشتر در حیطة شخصی خود به فساد مبتلا هستند. این گروه نیز به خاطر اشتراکات فراوان با مفسدین غالباً در جنایات و فتنه‌های آنان شریک می‌شوند.

مفسدین: کسانی هستند که علاوه بر فساد فردی کوشش می‌کنند از روشهای گوناگون به ترویج فساد و تباهی در سطح اجتماعی دامن بزنند و با کسب ثروت‌های نامشروع، مناصب و پست‌های کلیدی، در توسعه ناهنجاری‌ها می‌کوشند؛ منافقین، یهودیان و مترفین در قرآن با این خصوصیت معرفی شده‌اند.

با توجه به این تقسیم‌بندی یاوران مصلح کل لازم است فاسد و مفسد نباشند و از بی تفاوتی منزّه بوده و نه تنها صالح که باید مصلح باشند تا بتوانند با مبارزه با طاغوتها و مفسدین، زمینه ظهور مصلح جهانی را فراهم آورند.

فرهنگ انتظار و مهدویت آمیخته با شایستگی، شایسته سالاری، اصلاح طلبی و ترویج شایستگی در همه سطوح و در بین همه افراد است. فرهنگ مهدویت با تربیت نسل صالح و مصلح و جلوگیری از بروز فساد و افساد در جامعه، ظهور مصلح بشریت را نزدیک و نزدیکتر می‌سازد.

قرآن کریم می‌فرماید: (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ).^۱

امام عصر علیه السلام نیز به عنوان پرچمدار این قافله صالح، نه تنها خود صالح است بلکه اباصالح (پدر شایستگان و صالحان) و نه تنها مصلح جزء، بلکه مصلح کل است.

از رسالتهای یک خانواده آرمانی و اخلاقی تربیت نسل صالح و مصلح می‌باشد، در روایات از این خانواده‌ها به «بیوتات صالحه» یاد می‌شود و حضرت علی علیه السلام مالک اشتر را برای انتخاب کارگزاران سیاسی حکومت به انتخاب از چنین خانواده‌هایی سفارش می‌کند.

با این تفصیل یک خانواده مهدوی لازم است:
 ✓ اولاً خود از صالحان و شایستگان باشند.
 ✓ و ثانیاً در تربیت نسل صالح و مصلح
 بکوشند.

حاکم شدن چنین فرهنگی بر خانواده‌ها (و در نتیجه جامعه)، عامل مهمی جهت فراهم آوردن زمینه‌های ظهور حکومت اصلاح‌گرایانه مهدوی را فراهم می‌آورد و به عبارتی: «بهترین راه برای فراهم کردن زمینه ظهور مصلح کل، تربیت نسل صالح و مصلح در سنگر خانواده‌ها می‌باشد.»

۷. سلامت و بهداشت روانی

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

(الصِّحَّةُ وَ الْفَرَاغُ نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ)^۱

«تندرستی و فراغ خاطر دو نعمت پوشیده و

ناشناخته‌اند.»

یکی از هدایای الهی بر انسان و جامعه بشری، سلامت روانی و جسمی است و از طرفی یکی از مشخصات حکومت و فرهنگ مهدوی، تأمین و تضمین و گسترش سلامتی روانی و جسمی آحاد جامعه می‌باشد.

در دولت کریمه مهدوی که روزگار عدالت گستری و حکومت فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست، به برکت حضور و ظهور امام عصر علیه السلام بیماریهای

جسمی، روحی و روانی انسان از بین می‌رود. امام سجاده علیه السلام در این خصوص فرمودند:

(إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ.)^۱

«چون قائم ما قیام کند، خداوند بیماری و اندوه را

از شیعیان ما برمی‌دارد.»

از سوئی یکی از وظائف و رسالت‌های یک خانواده موفق وجود سلامت و بهداشت جسمی و روحی و تأمین و تضمین آن برای اعضاء خانواده می‌باشد، آری از این جهت نیز دنیای کوچک خانواده مهدی یاوران باید انعکاسی از ایده جهانی حضرت مهدی علیه السلام در کل جهان باشد و برای تحقق این منظور دو راهکار مؤثر پیشگیری و درمان وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد.

۸. پاکی دلها از کینه و دشمنی

از جمله ره‌آوردهای حکومت مهدوی برای بشریت، شستشوی دلها از کدورتها، دشمنی‌ها، تعارضات و کینه‌هاست، چرا که اساساً ریشه بسیاری از فتنه‌ها قبل از برقراری حکومت امام زمان علیه السلام کینه‌ها و دشمنی‌هاست.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

✓ (سَبَبُ الْفِتْنِ الْجَقْدُ.)^۲

«علت فتنه‌ها، کینه‌توزی است.»

۱. مشکاة الأنوار، ص ۷۹

۲. میزان الحکمة، ح ۴۰۵۲

نیز حضرتش علّت فتنه‌ها را کینه معرفی نموده و به پاک کردن دل از آن امر کرده و می‌فرمایند:

(طَهَّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنَ الْحِقْدِ فَإِنَّهُ دَاءٌ مُؤَبِّئٌ)^۱

«دل‌های خود را از کینه پاک کنید آن دردی مهلک است.»

پاک بودن دل‌ها از کینه و یکدلی از سویی جزء زمینه‌های تحقق حکومت مهدوی است، به گونه‌ای که امام زمان علیه السلام یکدلی شیعیان خویش را عاملی برای تحقق ظهور می‌دانند و در ضمن توقیعی به شیخ مفید (ره) می‌فرمایند:

(وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ
مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ
الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمَشَاهِدَتِنَا...)^۲

«اگر شیعیان ما - که خداوند ایشان را در طاعتش موفق بدارد - در وفای به عهدی که با ایشان داریم یکدل می‌شدند، دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و به زودی سعادت مشاهده ما نصیبشان می‌گشت.»

و از سوئی این یکدلی و یکرنگی از نتایج درخشان دولت با برکت مهدوی است، زیرا با گذر از دوران غیبت و ظهور دولت حق، آفتاب گرم وجود امام، سردی ارتباطات و کینه‌ها را ذوب می‌کند، به طوری که نه تنها محبت در میان تمامی

۱. میزان الحکمة، ح ۴۰۴۷

۲. بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۶

انسانها رواج پیدا می‌کند و کدورتها محو می‌گردد، بلکه عداوت میان حیوانات نیز از بین می‌رود. حضرت علی علیه السلام در همین زمینه می‌فرمایند:

«زمانی که قائم ما قیام کند آسمان نزولات خود را فرو ریزد و زمین گیاهانش را برویاند و کینه و دشمنی از دل‌های بندگان رخت بربندد و درندگان و چرندگان با هم بسازند، چندان که زنان زیور به سر عراق را تا شام می‌پیمایند و جز بر گیاه و سبزه گام نمی‌نهند و هیچ درنده‌ای آنان را آشفته و هراسان نمی‌کند»

در کنار توجه به این مؤلفه دولت کریمه مهدوی، توجه به یکی از مهمترین مؤلفه‌های خانواده با سعادت و موفق ضروری است و آن پاکی دلها از کینه‌ها و کدورت‌هاست.

تأکید بر عطف و ورزی و یکدلی در محیط خانواده و در تنظیم روابط خانواده از جمله سفارشات معصومین علیهم السلام است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

(قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ أَنِّي أَحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.) «اینکه مرد به همسرش بگوید: «من تو را دوست دارم» هیچگاه از (ذهن و) دلش بیرون نمی‌رود.»

یک خانواده مهدوی موظف است با یکدلی و تعمیق ارتباطات عاطفی بین اعضاء خانواده و دیگر دوستان اهل بیت علیهم السلام بکوشد تا از این راه با وحدت قلوب زمینه ظهور امام عصر علیه السلام را فراهم آورد.

۹. مسئولیت پذیری و درد مردم داشتن (و احساس مسئولیت نسبت به آینده)

ایده مهدویت عمدتاً ناظر به مقوله آینده‌نگری و تضمین سعادت نسل‌های آینده بشری می‌باشد، دکترین مهدویت مبشر آینده‌ای روشن برای فردای بشریت است، آینده‌ای زیبا با مؤلفه‌های عدالت، محبت، امنیت، تربیت و شکوفایی استعدادها. مهدویت یعنی احساس مسئولیت بین‌المللی و جهانی نسبت به انسان امروز و فردا و دغدغه اصلاح بشریت داشتن، رنج بشریت را احساس نمودن و از قالب «من» در آمدن و به «ما» اندیشیدن و به عبارت ساده‌تر، مهدویت یعنی طرحی جهانی برای شکوفایی انسانیت؛ بر این اساس ارتباطی تنگاتنگ بین فرهنگ و ایده مهدویت و انسجام، استحکام، اصالت و رسالت خانواده وجود دارد، چرا که یکی از مهمترین اهداف ازدواج مسئولیت‌پذیری نسبت به نسل آینده با تشکیل خانواده، تربیت نسل آینده، بسترسازی و ایجاد کانون‌پذیرایی برای نسل آینده همراه با سعادت، سلامت، عدالت، امنیت و دیانت است. در ازدواج اساساً انسان از قالب تنگ «خودگرایی» درآمده و به دنیای بزرگ «دگرگرایی» پا می‌گذارد. کانون خانواده «من» پرور نیست بلکه جمع‌محور و «ما» پرور است.

شهید مطهری رحمته الله در خصوص این ویژگی و رسالت خانواده‌گی می‌فرمایند:

«ازدواج تنها برای این نیست که زن و مرد از مصاحبت یکدیگر لذت بیشتری ببرند، ازدواج و تشکیل کانون خانوادگی ایجاد کانون پذیرائی نسل آینده است، سعادت نسل‌های آینده بستگی کامل دارد به وضع اجتماع خانوادگی. دست توانای خلقت برای ایجاد و بقاء و تربیت نسل‌های آینده، علائق نیرومند زن و شوهری را از یک طرف و علائق پدر و فرزندی را از طرف دیگر به وجود آورده است.»^۱

✓ «یک خصایص اخلاقی هست که انسان جز در مکتب تشکیل خانواده نمی‌تواند آنها را کسب کند. تشکیل خانواده یعنی یک نوع علاقمند شدن به سرنوشت دیگران. تا انسان زن نگیرد و بچه پیدا نکند و آن بچه شدیداً عواطف او را تحریک نکند و مثلاً در مواقعی که مریض می‌شود و او را به هیجان نیاورد، یا مثلاً لبخند بچه در او اثر نگذارد، [علاقمند شدن به سرنوشت دیگران در او پدید نمی‌آید] با مطالعه کتاب، این امر در او پیدا نمی‌شود.

تجربه نشان داده است که اخلاقیون و ریاضت‌کش‌ها که این دوران را نگذرانده‌اند، تا آخر

عمر یک نوع خامی و یک نوع بیچگی در آنها وجود داشته است و یکی از علل اینکه در اسلام ازدواج یک امر مقدس و یک عبادت تلقی شده همین است.»

✓ «ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. بعد از ازدواج، وقتی می‌خواهیم کار کنیم، برای من تنها نیست، آن «من» تبدیل به «ما» می‌شود به طوری که انسان آنقدر به سرنوشت خانواده علاقمند است که به سرنوشت شخص خودش نیست، و رنج می‌برد تا آنها در آسایش باشند. این یک درجه از «خود» است.»^۱

✓ «ازدواج اولین قدمی است که انسان از خودپرستی و خود دوستی به سوی غیر دوستی برمی‌دارد. تا قبل از ازدواج، فقط یک «من» وجود داشت و همه چیز برای «من» بود. اولین مرحله‌ای که این حصار شکسته می‌شود، یعنی یک موجود دیگری هم در کنار این «من» قرار می‌گیرد و برای او معنی پیدا می‌کند، کار می‌کند، زحمت می‌کشد، خدمت می‌کند نه برای «من» بلکه برای او، در ازدواج است (در ازدواج ملاک عشق است، ازدواج بی‌محبت را نمی‌گویم). بعد که دارای فرزندان می‌شود، دیگر «او» اوها می‌شود، و گاهی آنچنان

«او»ها می شود که کم کم این «من» بیچاره فراموش می شود و همه اش می شود «او» و «او»ها. و اینها قدم های اولی است که انسان از حالت «من» و خودخواهی خارج می شود و به سوی غیر دوستی می رود و «او» هم مورد توجهش قرار می گیرد.^۱

۱۰. دوستی، عشق و محبت

با نگاهی به زندگی و روابط بشریت امروز، می توان دریافت که یکی از نیازهای اساسی او، محبت و عشق حقیقی و پایدار بر اساس پشتوانه های الهی انسانی نه با انگیزه های شهوانی، هوسرانی و منفعت جویانه است.

جهان امروز، جهان جنگ و خونریزی و جهانی است که در آن برای اداره بزرگترین و خطرناکترین جنگ های تاریخ، آمادگی نظامی وجود دارد. بیشترین هزینه های کشورهای پیشرفته و حتی کشورهای در حال توسعه، هزینه های نظامی است و این در حالی است که سخت ترین درد بشریت امروز، ابتلاء به استعمار و بی رحمی، وحشیگری، استبداد نظامی، استیلاء طلبی نظامی و نظامی گری و اشغال است. امروزه روابط انسانی و روابط میان دولت ها و حکومت ها، بر اساس قدرت نظامی و توان تسلیحاتی و بر اساس داشتن خطرناکترین سلاحها و جنگ افزارها، تنظیم می گردد و اگر از محبت و

۱. تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۲۶۶

عشق نیز سخنی گفته می‌شود با انگیزه‌های منفعت جویانه، فریب کارانه و براساس اصل لذت‌پرستی است.

در نقطه مقابل یکی از مؤلفه‌های حکومت مهدوی، رفع هراس از جهان، مبارزه با قلدریها و ناامنی‌ها و دشمنی‌ها و تبدیل روابط خصمانه به یک روابط دوستانه براساس محبت و عشق و دوستی خالصانه و انسانی و بلکه الهی است، چرا که اساساً امام مظهر دوستی و دوستی آفرینی و منبعی سرشار از عشق است. او موجودی دوست داشتنی و انسانی حامل رحمت برای انسانیت و همه جوامع بشری است، زیرا محبت خالص و بی‌شائبه، یک نیاز کلیدی برای انسان است. حضرت رضاعلیه در ضمن روایتی طولانی، در معرفی شخصیت امام می‌فرمایند:

(الإمام الأمين الرفیق والوالد الشقیق والأخ الشقیق و مفرع العباد فی الداهیه).^۱

«امام یاری امین و پدری مهربان و برادری دلسوز و پناهگاه بندگان در حوادث ناگوار است.»

شهید مطهری در مورد این نیاز و تأثیرات آن می‌فرماید:

«بشر به اکسیر محبت نیکان و پاکان سخت نیازمند است که محبت بورزد و محبت پاکان او را

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۸

با آنها هم‌رنگ و هم‌شکل قرار دهد... تأثیر نیروی محبت و ارادت در زایل کردن رذائل اخلاقی از دل، از قبیل تأثیر مواد شیمیائی بر روی فلزات است. مثلاً یک کلیشه‌ساز با تیزاب اطراف حروف را از بین می‌برد نه با ناخن و یا سر چاقو و یا چیزی از این قبیل. اما تأثیر نیروی عقل در اصلاح مفسد اخلاقی مانند کار کسی است که بخواهد ذرات آهن را از خاک با دست جدا کند، چقدر رنج و زحمت دارد؟ اگر یک آهن‌ربای قوی در دست داشته باشد ممکن است با یک گردش همه آنها را جدا کند. نیروی ارادت و محبت مانند آهن‌ربا صفات رذیله را جمع می‌کند و دور می‌ریزد.^۱

بر این اساس به یک نقطه تلاقی دیگر و به یک وجه مشترک دیگری بین فرهنگ مهدویت و فرهنگ خانواده می‌رسیم، چرا که یکی از کارکردهای مهم نظام خانواده تبادل عشق و محبت و تشکیل کانونی برای دوست داشتن و دوست داشته شدن، محب بودن و محبوب بودن است.

قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً...)^۲

«از نشانه‌های خدا این است که برای شما همسرانی

۱. جاذبه و دافعه علی‌الصلوات، ص ۷۰

۲. روم/۲۱

از جنس خودتان آفرید تا بدان آرامش یابید و در میان شما مهربانی و رحمت قرار داد...»
 شهید مطهری (ره) در توضیح این کارکرد خانواده می‌فرمایند:

«وجود زن باید از وجود مرد عواطف و احساسات بگیرد تا بتواند فرزندان را از سرچشمه فیاض عواطف خود سیراب کند. مرد مانند کوهسار است و زن به منزله چشمه و فرزندان به منزله گل‌ها و گیاه‌ها. چشمه باید باران کوهساران را دریافت و جذب کند تا بتواند آنرا به صورت آب صاف و زلال بیرون دهد و گل‌ها و گیاه‌ها و سبزه‌ها را شاداب و خرم نماید. اگر باران به کوهساران نیارد یا وضع کوهسار طوری باشد که چیزی جذب زمین نشود، چشمه خشک و گل‌ها و گیاه‌ها می‌میرند. پس همان طوری که رکن حیات دشت و صحرا، باران و بالاخص باران کوهستانی است، رکن حیات خانوادگی احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است.^۱»

۱۱. دانش محوری

از برترین کمالات یک انسان تکامل طلب، دانش‌اندوزی و دانش‌پژوهی، دوستی علم و عالم، ترویج علم و تنظیم امور فردی و اجتماعی براساس مطالعات دقیق و علمی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در

روایتی می‌فرمایند:

(أَعْدُ عَالِماً أَوْ مُتَعَلِّماً أَوْ مُسْتَمِعاً أَوْ مُجِبّاً لَهُمْ وَ
لَا تَكُنُ الْخَامِسَ فَتَهْلِكَ).^۱

«هر بامداد، یا دانشمند یا دانش‌آموز یا گوش
دهنده به علم و یا دوستدار ایشان (علم و علماء) باش و
پنجمین کس مباش که هلاک می‌گردد.»

نقشه فرهنگی دوره طلایی حکومت مهدوی که
نقطه اوج تکامل بشری است براساس عوامل
تکاملی انسان، همچون وفور دانش، عقلانیت،
خردورزی، محبت، عشق و... طراحی شده است.

دوران حکومت امام زمان علیه السلام دوران انفجار
علمی است، چنانچه امام صادق علیه السلام فرمودند:

«علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه
آنچه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم
تاکنون جز با آن دو حرف (حرف‌های دیگر) آشنایی
ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج
حرف دیگر را بیرون آورده، آن را بین مردم نشر و
گسترش می‌دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و
مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر
می‌سازد.»^۲

در کنار فرهنگ مهدویت یکی از رسالت‌های هر
خانواده، علم‌اندوزی و تشویق یکدیگر به

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹۵

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶

دانش پژوهی و ارتقای سطح علمی و تبدیل خانه به مکتب خانه و محیطی آکادمیک می باشد، چنانچه حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

(مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ).^۱

«فرزندانان را به علم آموزی امر کنید.»

در روایات آموزش این موارد به فرزندان سفارش شده است:

۱. قرآن آموزی و آموختن سواد و کتابت

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

(حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَ).^۲

«حق فرزند بر پدر این است که (پدر) او را کتاب

(قرآن یا کتابت) بیاموزد.»

۲. آموزش روایات معصومین علیهم السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ

الْمُرَجَّةُ).^۳

«به جوانانان حدیث بیاموزید قبل از آنکه (مکتب

انحرافی) مرجئه بر شما نسبت به آنها پیشدستی

کنند.»

۳. آموزش حرفه و صنعت

(عنه صلی الله علیه و آله - لَمَّا سُئِلَ عَنْ حَقِّ الْوَالِدِ - ... وَ تَضَعَهُ

۱. میزان الحکمة، ح ۲۲۷۵۱

۲. مستدرک، ج ۱۵، ص ۱۶۹

۳. التهذیب، ج ۸، ص ۱۱۱

مَوْضِعاً حَسَنًا) ۱

«پیامبر ﷺ در پاسخ به سؤال از حق فرزند فرمود:

... و اینکه شغل و حرفه خوب به او بیاموزی.»

بر همین اساس یکی از رسالتهای خانواده‌های مهدوی و زوجهای امام زمانی، علم‌اندوزی و تربیت فرزندان علم دوست و عالم دوست است.

★ راهکارهای علم‌محوری در خانه و خانواده:

۱. اختصاص یک اتاق برای مطالعه و کار

علمی در کنار اختصاص اتاقهایی به نام

اتاق خواب، پذیرایی یا نشیمن

۲. فضاسازی مثبت خانه جهت علم‌اندوزی

و تهیه لوازم مطالعه همچون میز مطالعه،

چراغ مطالعه و ایجاد فضای سکوت و

آرامش

۳. اختصاص بخشی از هزینه خانوار جهت

خرید کتابهای مناسب و مجلات علمی و

دینی و تهیه کتب مهدویت

۴. عادت دادن خود و فرزندان به مطالعه

۵. عادت دادن خود و فرزندان به تحصیل،

کار علمی، پژوهش و کسب مدارج بالای

علمی

۶. احترام به علم و عالم و ارتباط با دانشمندان

۷. مطالعه زندگی‌نامه فرهیختگان و عالمان

۸. ترتیب دادن سفرهای علمی خانوادگی،
مانند بازدید از دانشگاهها، حوزه‌های
علمیه، مراکز علمی و پژوهشی، کتابخانه‌ها
و دیدار عالمان فرزانه و اندیشمندان.

۱۲. شجاعت و دلاوری

یکی از اصول مهم تربیتی و ارزیابی شخصیت
افراد، ارزیابی دلاوری، خطرپذیری و شجاعت آنان
می‌باشد. در بین فضیلتها و ارزشهای اخلاقی -
انسانی، شجاعت یکی از برترین و کلیدی‌ترین
فضائل است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

(الشُّجَاعَةُ عِرٌّ حَاضِرٌ)^۱

«شجاعت و دلیری عزتی است حاضر (و آماده)»

فرهنگ مهدویت، فرهنگ دلاوری و مردانگی و
شجاعت و مکتب شجاع‌پروری و آفرینش جرأت
ورود به صحنه‌های خطر است، به همین دلیل در
توصیف اصحاب امام عصر علیه السلام از ناحیه امام
علی علیه السلام آمده است که فرمودند:

(وَ يَضَعُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ
إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ قُوَّةً
أَرْبَعِينَ رَجُلًا...)^۲

[در آن زمان] دست رحمتش را بر سر بندگان قرار

۱. غررالحکم، ص ۲۵۹

۲. الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۰

می‌دهد و مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر اینکه قلبش از پاره آهن گداخته شده، سخت‌تر می‌شود و خداوند نیروی چهل مرد را به او می‌دهد.]

از این منظر می‌توان به یکی از نقاط مشترک بین دو فرهنگ مهدوی و خانواده دست یافت. همانطور که تشکیل حکومت عدالت‌گستر مهدوی نیازمند وجود مردانی شجاع و دلاور است و به طور یقین تربیت چنین سربازانی از کانون تربیتی خانواده شروع می‌گردد؛ برای تربیت نسلی شجاع و مؤمن، انتخاب همسری با این خصیصه و از خانواده‌ای نجیب و شجاع‌پرور، ضروری می‌نمایاند، زیرا براساس قانون وراثت، صفات شخصیتی والدین به نسل‌های بعدی منتقل می‌گردد و از اینرو امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از شهادت حضرت زهرا علیها السلام، برای انتخاب همسر مسأله را با برادرش عقیل - که از نسب‌شناسان معروف عرب بود - در میان گذاشت و فرمود:

«زنی برایم خواستگاری کن که از نسل مردان شجاع عرب باشد تا با او ازدواج کنم و از او فرزندان سوارکار و شجاع متولد گردد.» عقیل گفت: درباره فاطمه دختر حزام بن خالد کلابیه چه نظر داری؟ همانا در میان عرب سوارکارانی شجاع‌تر و بهتر از نیاکان او سراغ ندارم.^۱

نتیجه این ازدواج چهار فرزند پسر از ام‌البنین بود که هر یک به عنوان سربازانی فداکار برای قیام امام حسین در کربلا ذخیره شدند.

زن و مرد باید هم خود شجاع باشند و هم شجاع‌پروری کنند، زیرا نسل شجاع و دلیر است که می‌تواند به عنوان برترین پشتیبان برای نهضت‌های اصلاحی و الهی مانند نهضت و قیام حضرت مهدی علیه السلام به شمار آید.

شهید مطهری رحمته الله در خصوص ارزش شجاعت و عدم اختصاص آن به مرد یا زن می‌فرمایند:

«شجاعت به عنوان خلق روحی که به اصطلاح معروف یعنی قوت قلب داشتن و نترس بودن و خود را نباختن در مقابل دیگران، برای مرد ممدوح است، برای زن هم ممدوح است. هیچوقت اسلام نمی‌گوید که مرد خوب است شجاع و قوی القلب باشد ولی زن خوب است ترسو باشد. به چه دلیل؟ به دلیل اینکه اولاً آنچه ما در باب مدح شجاعت و مذمت جبن داریم که زیاد است اختصاص به زن و مرد ندارد، هم در مورد مرد است و هم در مورد زن، و ثانیاً سیره زنان مسلمین این است که همیشه شجاع بوده‌اند، یعنی زنان شجاع مسلمین مورد تمجید قرار گرفته‌اند، چون «شجاعت» یعنی نترس بودن و باک نداشتن و اینکه انسان در مقابل خطر که قرار می‌گیرد فکر جان یا مال، او را نترساند و

عقب‌نشینی نکند، فداکار باشد، حاضر باشد از جانش، از مالش و از حیثیتش بگذرد و در مقابل دشمن بایستد.^۱

۱۳. خردورزی و تربیت عقلانی

در دولت حضرت مهدی علیه السلام، در کنار دین محوری، عقل محوری و عقل باوری و تربیت و شکوفائی خرد بشری، از مهمترین اصول و خط‌مشی‌هاست؛ این دوران را بدون اغراق می‌توان دوران تکامل عقل و حکومت عاقلان و حاکمیت عقل نامید، چرا که در دوره پر برکت ظهور امام زمان علیه السلام، عقول بشری از چنگال هوی‌ها و هوس‌های شیطانی و حیوانی نجات می‌یابد و راه تکامل و اوج را پیش می‌گیرد.

مقایسه‌ای اندک بین فضای دنیای قبل از ظهور که هوس در آن حاکم است و دنیای بعد از ظهور که زمان حکمرانی عقل است، وضعیت انسان را در دو دوره روشن‌تر می‌کند.

در دوره قبل از ظهور که عقول بشری در غل و زنجیر هوس گرفتار آمده، انسانهای گرفتار از جایگاه الهی خویش فاصله‌ای بسیار دارند. قرآن در وصف بدترین انسانها می‌فرماید:

(إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا

يَعْقِلُونَ) ^۱ «همانا بدترین جنبنندگان نزد خداوند، افراد کر و لالی هستند که (نه گوش شنیدن حق دارند و نه زبان گفتن حق و) تعقل نمی کنند.»

اما در دوره ظهور امام عصر علیه السلام، عقول بشریت به منتهی کمال خود می رسد.

حضرت باقر علیه السلام می فرمایند:

(إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ) ^۲

«هنگامی که قائم ما ظهور می کند، دست (معجزه آسای) خود را روی سر مردم می گذارد و بدان وسیله عقول آنها جمع و افکارشان کامل می گردد.»

از دیگر سو، در دنیای کوچک خانواده هم عقل محوری و تربیت عقلانی یکی از مهمترین رسالتها و مسئولیتهاست و به همین دلیل به یک نقطه تلاقی و وجه مشترک دیگر بین دو فرهنگ مهدوی و خانواده یعنی عقل محوری و تربیت نسلی خردورز می رسیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص انتخاب همسری خردمند و پرهیز از وصلت با افراد احمق می فرمایند:

(إِيَّاكُمْ وَتَزْوِجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا ضَيَاعٌ

۱. انفال/ ۲۲

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸

وَوُلَدَهَا ضِبَاعٌ)¹

«از ازدواج با زن احمق بپرهیزید، زیرا همنشینی با او تباهی است و فرزنداناش گفتار صفت می‌شوند.»

۱۴. آرمان‌گرایی

ایده مهدویت به عنوان عظیم‌ترین آرمان جهانی در طول تاریخ، مورد نظر ادیان، اندیشمندان، نویسندگان و هنرمندان قرار گرفته است، آرمانی بزرگ مبنی بر برقراری مدینه فاضله که به مشخصات و برنامه‌های این آرمان شهر مهدوی در برخی از آیات قرآنی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام اشاره شده است.

(الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)² «همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.»

امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند:

«این آیه مربوط به آل محمد یعنی مهدی علیه‌السلام و أصحابش است که خداوند آنها را مالک شرق و غرب می‌کند و دین را به وسیله او بر تمام ادیان پیروز می‌نماید و باطل و دین‌های ساختگی را به همت او و

۱. میزان الحکمة، ح ۷۸۵۹

۲. حج/۴۱

یارانش از میان برمی‌دارد، چنانچه پیش از ظهور او سفاقت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است، به طوری عدالت گسترش می‌یابد که اثری از ظلم باقی نمی‌ماند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت امور در اختیار خداست.^۱

امام عصر علیه السلام قیام خود را از مسجد الحرام شروع می‌کند و مرکز حکومت خویش را مسجد کوفه قرار می‌دهند و در احیاء و پاکسازی مساجد از تجملات دنیوی و امور زائد تلاش می‌نمایند؛ همچنین حضرتش همه فروع به زمین مانده الهی چون نماز، زکات، خمس، امر به معروف، نهی از منکر و... را احیاء می‌نمایند.

همچنین از جمله مشخصات یک خانواده مؤفق و معنوی می‌توان به آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی آن اشاره نمود که این خصلت، یکی از وجوه مشترک فرهنگ و تمدن مهدوی با فرهنگ یک خانواده مسلمان است.

در روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیه شریفه: (...قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا...) ^۲ آمده است:

«امام باقر علیه السلام فرمود: مردی بر پدرم وارد شد و گفت: خدا تو را رحمت کند، من برای اهل و خانواده‌ام حدیث گفته و سخن می‌گویم (گفتار خدا و رسول را به ایشان

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵

۲. تحریم ۶۱

می‌گویم، چگونه است؟) پدرم فرمود: آری خوب کاری است، چرا که خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگهاست نگه دارید» و همچنین می‌فرماید: «أهل و خویشاوندان خود را به نماز امر نموده و بر آن صبر و شکیبایی داشته باش.»^۱

✓ عن سليمان بن خالد قال: قلتُ لأبي عبد الله عليه السلام: إنَّ لي أهلَ بيتٍ و هم يسمعون مِنِّي، أفأدعُوهمُ إلى هذا الأمرِ؟ فقال: نعم إنَّ الله عزَّوجلَّ يقولُ في كتابه: «يا أيُّها الذين آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ و أهليكمُ ناراً و قودُها النَّاسُ و الحِجَارَةُ.»^۲

«سليمان بن خالد می‌گوید من به امام صادق عليه السلام گفتم: من خانواده‌ای دارم که از من حرف‌شنوی دارند، آیا آنها را به این امر (ولایت) دعوت کنم؟ فرمود: آری به راستی که خدای عزوجل در کتابش می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگهاست نگه دارید.»

[چون آیه: «يا أيُّها الذين آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ و أهليكمُ ناراً» نازل شد، مردم پرسیدند: چگونه خود و خانواده‌هایمان را حفظ کنیم؟ حضرت صادق عليه السلام فرمودند: کار نیک و خیر انجام دهید و خانواده خود را نسبت به آن عمل تذکر دهید و آنها را بر اطاعت الهی

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۰

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۷

تربیت و ادب کنید. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: به درستی که خدای متعال به پیامبرش می‌فرماید: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش» و (در جای دیگر) می‌فرماید: «و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل نیز یاد کن، چرا که او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبری (بزرگ) بود* و او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.»]

حکومت مهدوی در پی تشکیل جامعه بزرگ فاضله و خانواده در پی تشکیل جامعه کوچک فاضله است و به عبارتی هر دو در پی ایجاد فضایی با محوریت ارزشهای آسمانی و الهی هستند تا در این فضا، انسانها بتوانند بدون هیچ مانع و سدّی، مسیر تکامل و رسیدن به اوج قله‌های انسانیت را طی نمایند.

ویژگیهای یک خانواده آرمانی:

۱. خدائی خواهی و اخلاص
۲. مردم دوستی و سخاوت بلکه ایثار و فداکاری
۳. جهاد و شهادت طلبی
۴. تربیت فرزندان آرمانی و ارزش‌گرا
۵. پرداخت خمس و زکات و صدقات
۶. هم‌پیمانی با اهل بیت علیهم السلام و ارتباط معرفتی و قلبی با ایشان

۷. اهمیت دادن به عبادات و احکام دینی در محیط خانه و نظارت مؤثر و منطقی بر فضای محیط پیرامونی

۸. معنویت‌گرایی و تنزه از هر گونه معصیت و حرام و سحرخیزی

۹. فرهنگی بودن اعضای خانواده و حاکم بودن علم و عرفان در زندگی

۱۰. خدمت به دین و خلق خدا بدون کوچکترین چشم‌داشت مادی

۱۱. تحمل سوء اخلاق درازمدت همسر یا شوهر برای کسب رضایت الهی و تن ندادن به طلاق...

برای داشتن یک زندگی آرمانی و خداپسند، انتخاب آرمانهای والا و آخرتی اصلی مهم است که بجاست در تحصیل آن تلاش شود.

۱۵. شرک‌زدائی

از جمله اهداف مشترک نظام حکومتی امام عصر علیه السلام و نظام ایده‌آل خانواده، شرک‌زدایی، نشر توحید و موحد‌پروری است. قرآن کریم مهمترین رسالت انبیای الهی را در مرحله اول مبارزه با شرک و پاکسازی اذهان، قلوب و جوامع انسانی از مظاهر بت‌پرستی و شرک و در مرحله دوم آشناسازی بندگان با خداوند و صفات او و حرکت حول کلمه توحید معرفی می‌نماید. قرآن می‌فرماید:

(وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ
وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...)^۱

«ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا
را پرستید و از طاغوت اجتناب کنید.»

همانگونه که حضرت ابراهیم به عنوان پدر امت،
بت شکنی می کرد و با استدلال و مناظرات علمی،
مردم را به سوی توحید فرا می خواند و همانگونه که
پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان پدران امت
اسلامی کعبه را از لوٹ وجود بتها و بت پرستان پاک
نمودند، حضرت اباصالح المهدی علیه السلام نیز که پیرو
رسالت جمعی انبیا و عصارة همه پیامبران و اولیای
الهی است، به تخریب بناهای شرک و نفاق
می پردازد و برای همیشه بساط بت پرستی را از روی
زمین برمی چیند. در دعای شریف ندبه می خوانیم:

(أَيْنَ هَادِمُ أبنية الشِّرْكِ وَ النِّفَاقِ)

«کجاست آن نابود کننده بناهای شرک و نفاق»

امام مهدی علیه السلام و یاران ایشان از عالیتترین مقامات
توحیدی برخوردارند و لحظه ای شرک و شک در
ذات الهی به وجود آنان راه نمی یابد، آنگونه که امام
صادق علیه السلام در وصف این دلاور مردان می فرماید:

(رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ

فِي ذَاتِ اللَّهِ.)^۲

۱. نحل/ ۳۶

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

«مردانی که دل‌های آنان مانند پاره‌های آهن است و شکی در ایمان به خدا در دل‌های آنان راه ندارد.»
رسالت اصلی و اساسی مهدی علیه السلام و مهدی یاوران، بسط توحید در سرتاسر گیتی است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ)^۱
«زمانی که قائم علیه السلام قیام کند سرزمینی باقی نمی‌ماند که در آن ندای شهادت «خدایی جز الله نیست و محمد پیامبر خداست» بلند نشود.»

در همین راستا به عنوان یک رسالت خانوادگی قرآن کریم با معرفی حضرت لقمان به عنوان پدری حکیم که برای تربیت فرزندی نمونه تلاش می‌کند، آموزش توحید و اجتناب از شرک را جزء اولین برنامه‌های وی معرفی می‌کند:

(يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ)^۲
«ای پسر! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک ظلم بزرگی است.»

همچنین حضرت ابراهیم در بخش رسالت خانوادگی خود پدر و قوم خود را به دوری از بت‌پرستی دعوت می‌کند برای خود و فرزندان، پاکی و تنزه از بت‌پرستی را از خدا طلب می‌کند:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰

۲. لقمان/۱۳

✓ (وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ.)^۱ «و بر آنان خبر ابراهیم را بخوان، هنگامی که به پدر و قومش گفت: چه چیز را می پرستید؟»

✓ (وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ.)^۲

[و «به یاد آورید» زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگهدار.]

۱۶. بسط و نشر کلمه توحید

یکی از رسالتهای مهم خانوادگی، تشکیل خانه و خانواده‌ای توحید محور و تربیت نسلی موحد و ذاکر خداست، چنانچه خداوند محلّ پرورش بهترین بندگان و مصادیق نورالهی را بیوت شمرده و می فرماید: (فِي بَيْوتِ أذن الله أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ.)^۳

[این مردان الهی) در خانه‌هایی هستند که خداوند اذن فرموده رفعت (مقام) یابند، خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می شود و صبحگاهان و شامگاهان در آن تسبیح خدا را می گویند.]

روایات اهل بیت علیهم السلام در خصوص رسالت آموزش توحید به فرزندان به عنوان اولین درس زندگی و

۱. شعراء / ۶۹ و ۷۰

۲. ابراهیم / ۳۵

۳. نور / ۳۶

بندگی تأکید فراوان دارد. امام سجاده علیه السلام می فرمایند:
 (أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيَّتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ
 الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ).^۱ «و تو در تربیت او از
 حسن ادب و توجه به خدا مسئولی.»

ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند:
 (إِفْتَحُوا عَلَى صِبْيَانِكُمْ أَوَّلَ كَلِمَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ).^۲
 «اولین کلمه‌ای که به فرزندانان می آموزید «کلمه
 لا اله الا الله» باشد.»

همچنین پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در روایتی دیگر
 می فرمایند:

(إِذَا أَفْصَحُوا أَوْلَادَكُمْ فَعَلَّمُوهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ).^۳
 «وقتی فرزندانان زبان به سخن گشودند به آنها «لا
 اله الا الله» را یاد دهید.»

و نیز در بیان پاداش این عمل می فرمایند:
 (مَنْ رَبَّى صَغِيرًا حَتَّى يَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمْ
 يُحَاسِبْهُ اللَّهُ).^۴

«هر کس کودکی را تربیت کند تا اینکه لا اله الا الله
 بگوید، خداوند روز قیامت او را محاسبه نخواهد کرد.»
 تذکر: جایگاه بحث توحید و شرک تا آنجا
 اهمیت دارد که اگر پدر و مادر که در دین اطاعت

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۲۱

۲. کثر العَمال، ج ۱۶، ص ۴۴۱

۳. همان، ج ۱۶، ص ۴۴۰

۴. همان، ج ۱۶، ص ۴۵۶

آنان واجب شمرده شده، در صورت دعوت به شرک دیگر اطاعتشان واجب نخواهد بود، قرآن می‌فرماید:

(وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...)^۱

«و هر گاه آندو تلاش کنند که تو چیزی را شریک من قرار دهی که از آن آگاهی نداری، از ایشان اطاعت مکن.»

۱۷. کرامت انسانی و کریم پروری

یکی از وجوه مشترک فرهنگ مهدویت و فرهنگ خانواده، کرامت محوری و اهمیت ویژه دادن به کرامت انسانها و تربیت افرادی کریم و بزرگوار است.

✓ کرامت در لغت عبارت است از:

«بزرگواری و نزاهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی»^۲

شهید مطهری (ره) در همین زمینه می‌فرماید:

«مسئله کرامت نفس و یا عزّت نفس و تعبیراتی امثال اینها که در متون تعلیمات اسلامی وارد شده است و گفته شد این خود مسئله‌ای است که کمتر مورد توجه واقع شده و یا اساساً مورد توجه واقع نشده است و حال آن که ما ریشه و مبنا و زیربنای اخلاق اسلامی را از همین جا می‌توانیم استنباط و

۱. لقمان/۱۵

۲. سیری در تربیت اسلامی، دلشاد تهرانی، ص ۲۱۸

استخراج کنیم، از نوعی بازگشت دادن انسان به خود و متوجه کردن او به شرافت و کرامت ذاتی خویش...»^۱

آیه: (وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً) «ما مکرم داشتیم بنی آدم را...»
گرامی داشتن دوجور است. یک وقت مثل گرامی داشتن انسانی است انسان دیگر را. این برمی گردد به یک امر قراردادی و اعتباری؛ مثلاً وقتی که شما وارد منزل من می شوید، من دوجور عکس العمل می توانم داشته باشم: یکی اینکه چندان اعتنایی به آمدن و رفتن شما نکنم و دوّم اینکه با شما در عمل محترمانه رفتار کنم و تواضع نمایم. ولی وقتی که خدا می گوید: «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا» معلوم است که مقصود این نیست که در یک معاشرتی که با انسان داشتیم او را احترام کردیم و بالادست موجودات دیگر نشانیدیم. مقصود این است که ما در خلقت و آفرینش، او را مکرم قرار دادیم یعنی این کرامت و شرافت و بزرگواری را در سرشت و آفرینش او قرار دادیم، اصلاً کرامت و عزّت و بزرگواری جزئی از سرشت انسان و در سرشت انسان است. این است که انسان اگر خود را آنچنان که هست بیابد، کرامت

و عزّت را می یابد.»^۱

دولت امام زمان علیه السلام به دولت کریمه مشهور است، چنانچه در دعا می خوانیم:

✓ (اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا
الاسلامَ و أهله و تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ و أهله.)^۲

«پروردگارا مشتاقانه مسألت داریم که دولتی با شکوه برانگیزی که اسلام و اسلامیان را عزّت بخشی و نفاق و منافقین را به خاک ذلت نشانی...»

بر این اساس معلوم می شود محور اساسی سیاست گذاری و سیاست مداری حکومت حضرت بقیّة الله علیه السلام بر پایه کرامت انسانی، تقویت کرامت بشریت و حفاظت از مرزهای آن می باشد.

در زیارت مخصوصه امام زمان علیه السلام در روز جمعه می خوانیم:

(أنا يا مولاي فيه ضيفك و جارك و أنت يا
مولاي كريم من أولاد الكرام و مأمور بالاجارة
فأضيفني و أجرني صلوات الله عليك و على أهل
بيتك الطاهرين.)^۳

«و من ای مولایم در این روز مهمان تو و در پناه تو هستم و تو مولای کریم و از خاندان کرم و بزرگواری هستی و از جانب خدا مأمور به مهمان نوازی و پناه

۱. تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۳۰

۲. دعای افتتاح، مفاتیح الجنان

۳. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۱۵

دادن خلقی، پس از من پذیرایی کن و مرا در پناه خود قرار ده (که) درود خدا بر تو و بر خاندان پاکت.»

در همین راستا، یکی از تأکیدات تربیتی اسلام در خصوص تربیت فرزند و در محیط خانواده، رعایت اکرام و برخورد های کرامت آمیز با آنان می باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

(أَكْرِمْ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ)^۱

«نفس خود را تکریم نما و خود را از هرگونه پستی، برتر نگاه دار.»

این مسأله تا آن حد اهمیت دارد که حتی در نامگذاری فرزند به اصل کرامت او توجه شده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«هرگاه فرزندی را محمد نام گذاشتید، او را گرمی بدارید و اکرام و احترام کنید و در مجالس مکان او را وسیع کنید و نسبت به او ترشوئی نکنید.»^۲

در همین راستا و برای دستیابی به کرامت، باید به عوامل کرامت آفرین عنایت ویژه مبذول داشت که در اینجا به مهمترین این عوامل از دیدگاه دین اشاره می شود:

تقوی، پرهیز از دنیاگرایی، عبور از لغو و بیهوده گرایی، بذل مال برای حفظ آبرو، قدرشناسی، دوری از ذلت و خواری.

۱. نهج البلاغه، ص ۴۰۱

۲. صحیفه الرضا علیه السلام، ص ۴۴

پرسشهای درس:

۱. عزیزپروری و عزتمندی در فرهنگ مهدویت مستند به چه روایاتی است؟
۲. روایت شریفه: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّىٰ فِي الْقُبُلِ» به کدامیک از مؤلفه‌های یک خانواده متعالی اشاره دارد؟
۳. آیا در یک خانواده، تنها وجود صلح مسلحانه کافی است؟ چرا؟
۴. روایت: «إِذَا قَامَ قَائِمًا وَضَعَ يَدَهُ عَلَىٰ رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ...» از کیست و اشاره به کدامیک از مؤلفه‌های دولت یار دارد؟
۵. پنج مشخصه از مشخصات خانواده‌های آرمانی را نام ببرید.
۶. یک روایت درخصوص شجاعت ذکر کنید.
۷. پیامبر ﷺ درخصوص علم‌آموزی مردم را به چند گروه تقسیم نمودند؟ آنها را نام ببرید.
۸. کدامیک از پیامبران درخصوص تربیت فرزندان خویش، به عامل شرک‌زدائی توجه ویژه کرده است؟
۹. بر چه اساسی شیوه حکومتی امام عصر عجله، کرامت محوری است؟
۱۰. مردم از نظر صلاح و فساد به چند گروه تقسیم می‌شوند.

سؤالات پژوهشی:

۱. آیا میان کوچکترین نهاد اجتماع (خانواده) با بزرگترین نهاد اجتماعی بشری (حکومت جهانی) وجوه مشترک دیگری وجود دارد؟
۲. کشف نتایج مشترک بین فرهنگ انتظار و فرهنگ خانواده چه نتایج تربیتی و اجتماعی به دنبال دارد؟

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. «عصر زندگی» - محمد حکیمی
۲. «تاریخ مابعدالظهور» - سید محمد صدر
۳. «چشم‌اندازی به حکومت مهدی» -
نجم‌الدین طبسی
۴. «سیری در تربیت اسلامی» - مصطفی
دلشاد
۵. «تعلیم و تربیت» - شهید آیة‌اله
مطهری (ره)

منابع

- قرآن کریم
 بحار الأنوار / علامه مجلسی (ره)
 میزان الحکمه / محمّدی ری شهری
 خصال / شیخ صدوق (ره)
 نظام حقوق زن در اسلام / شهید مطهری (ره)
 نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر / شهید مطهری (ره)
 نهج الفصاحة / ابوالقاسم پاینده
 مشکاة الأنوار / طبرسی
 اخلاق جنسی / شهید مطهری (ره)
 تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام / شهید مطهری (ره)
 کمال الدین و تمام النعمة / شیخ صدوق (ره)
 جاذبه و دافعه علی علیه السلام / شهید مطهری (ره)
 مستدرک / محدّث نوری (ره)
 التهذیب / شیخ طوسی (ره)
 غرر الحکم / آمدی (ره)
 الخرائج و الجرائح / قطب الدین راوندی
 ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام / سماوی
 مکارم الاخلاق / طبرسی
 کنز العمال / علاء الدین هندی
 نهج البلاغه / سید رضی (ره)
 مفاتیح الجنان / شیخ عباس قمی (ره)
 صحیفة الرضا
 مصباح الشریعة
 کافی / ثقة الاسلام کلینی (ره)
 حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام / محمّد جواد طبسی